

رابطه مشارکت و اعتماد اجتماعی با خودسانسوری در بین شهروندان شهر یزد

سیدعلیرضا افشانی^۱، فاطمه محمودآبادی^۲

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۹/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۸/۱۲/۱۵)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت و چگونگی رابطه آن‌ها با خودسانسوری شهروندان شهر یزد انجام شده است. منظور از خودسانسوری این است که افراد به علل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظریاتشان را بیان نکنند. برای تدوین چارچوب نظری از نظریات گیدنز، بلاو، پارسونز و زیمل استفاده شد. روش پژوهش، پیمایش بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۵ساله و بیشتر شهر یزد در سال ۱۳۹۷ بودند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر تعیین گردید و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. برای بررسی اعتبار و پایایی پرسش‌نامه از اعتبار صوری و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که خودسانسوری در بین شهروندان یزدی در حد متوسط بوده و رابطه آن با دو متغیر مشارکت و اعتماد اجتماعی، منفی و معنی‌دار بوده است. اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۴۱۷- و مشارکت با ضریب ۰/۲۳۵-، همبستگی معکوسی با خودسانسوری داشتند. بررسی مدل معادله ساختاری نشان داد ۳۱ درصد از تغییرات خودسانسوری، با متغیرهای مستقل مشارکت و اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود. نتایج حاکی از تأثیرگذار بودن متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت به‌عنوان دو متغیر مهم در تبیین و پیش‌بینی خودسانسوری است و تقویت اعتماد اجتماعی و مشارکت شهروندان باعث کاهش خودسانسوری آن‌ها خواهد شد.

afshanalireza@yazd.ac.ir

^۱ استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

F.mahmoudabady@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد

واژگان کلیدی: خودسانسوری، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، شهروندان.

مقدمه و بیان مسئله

محدودیت بیان به شکل‌های مختلفی در تمام جوامع وجود داشته و خواهد داشت؛ از جمله محدودیت‌های مذهبی، اخلاقی، سیاسی و... که به صورت‌های متعددی اعمال شده است. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که پدیده‌ای به نام سانسور به معنای عام خود، یعنی هرگونه محدودیت بیانی که این محدودیت، یکی از پایدارترین پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود. هر جامعه با وجود حداقلی از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند به بقای خود ادامه دهد؛ ارزش‌هایی که به‌عنوان آرمان مشترک می‌تواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، ارزش‌هایی که به‌عنوان آرمان مشترک مورد وفاق اکثریت جامعه باشد. حراست و نگهداری از این ارزش‌ها اجازه می‌دهد که هر ایده و ارزشی در جامعه منتشر شود. در کنار این موضوع، زندگی اجتماعی با نوعی محدودیت همراه است که جزئی از ذات هر جامعه است؛ این محدودیت که می‌توان از آن به‌عنوان کنترل فرهنگ نام برد، نوعی از کنترل اجتماعی است (خالوئی، ۱۳۸۸: ۳).

یکی از موانع اساسی نوآوری در جوامع، خودسانسوری است. خودسانسوری یعنی مراقبت و مواظبت بر گفتار (خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۵۵). ژاک موسو^۱ درباره خودسانسوری می‌گوید: «روزنامه‌نگاران از ترس آنکه هیچ‌کسی را، به‌ویژه مقامات و وزیران را ناراحت نکنند و از ترس آنکه علیه آنان اقدامی صورت گیرد، به نوعی سازش‌کاری دست می‌زنند، چه از لحاظ محتوا و چه شکل پیام که عملاً به خودسانسوری خواهد انجامید» (محسنیان راد، ۱۳۷۱: ۶). اینکه افراد به سمت پنهان‌کاری و چندشخصیتی‌شدن و یا حتی محافظه‌کاری پیش بروند، می‌تواند علل بسیاری داشته باشد؛ برای مثال، می‌تواند ترس از بیان نظریاتشان در نتیجه بی‌اعتمادی به دیگران باشد که آنان را به سمت خودسانسوری سوق می‌دهد.

سرمایه اجتماعی^۲ یکی از مفاهیم جالب توجه در حوزه علوم اجتماعی است که ابعاد متعددی دارد. از نظر پیر بوردیو،^۳ سرمایه اجتماعی، کنش جمعی و ارتباط میان افراد جامعه را ترویج می‌کند. کلمن^۴ نیز این نوع سرمایه را منبعی می‌داند که افراد و گروه‌ها می‌توانند آن را از طریق پیوند با یکدیگر و با توجه به میزان و شدت ارتباطات خود به دست آورند (Coleman,

^۱. Jacques Musso

^۲. Social capital

^۳. Pierre Bourdieu

^۴. Coleman

۱۹۹۸). اعتماد و مشارکت در تعامل با دیگران معنا می‌یابد؛ شرایطی می‌تواند برای افراد تهدید محسوب شود که نتیجه آن نداشتن مشارکت و بی‌اعتمادی است. افراد به دلیل ترس، دست به خودسانسوری می‌زنند؛ یعنی در شرایطی که در جامعه به ثبات جایگاه خود اعتماد ندارند خودسانسوری می‌کنند. آنچه مسلم است این مسئله است که اگر جامعه‌ای می‌خواهد توسعه یابد و پیشرفت کند و به آرمان‌های خود دست یابد، باید آزادی بیان شهروندان خود را در تمام ابعاد و سطوح جامعه گسترش دهد و زمانی می‌توان به این امر رسید که تمام شهروندان بدون ترس و اضطراب و با اعتماد و اطمینان خاطر در امور مختلف مشارکت کرده و نظریات خود را آزادانه بیان کنند. با چنین شهروندانی می‌توان به اهداف مهم خود در حوزه‌های متفاوت دست یافت و جامعه را به سمت توسعه پیش برد. در این زمینه، آمارتیا سن^۱ بیان می‌کند: «توسعه در صورتی امکان‌پذیر است که انواع مختلف نبود آزادی‌ها که انتخاب مردم را محدود و فرصت انجام آنچه آنان موجه تشخیص می‌دهند را سلب می‌کند، رفع شود» (مروتی، ۱۳۹۰: ۶).

نیروی انسانی هر جامعه، افراد آن جامعه هستند که می‌توانند راهکارهایی برای توسعه و پیشرفت آن جامعه ارائه دهند و جامعه را به آن سمت و سو هدایت کنند. تعامل و کنش بین افراد مقدمه هر رفتاری است. همچنین، وجود عقاید مختلف در بین افراد، مسئله‌ای طبیعی است و قطع زنجیره ارتباط میان افراد، به جامعه ضرر وارد می‌کند. از طرفی، هرکسی در بیان اندیشه‌اش آزاد است و فقط نقد آن اندیشه مجاز است نه حذف، تحریف و اهانت به آن؛ در صورتی که جواب به اندیشه‌ای اهانت و مجازات باشد، نتیجه آن خودسانسوری و آشفتگی و اخلال خواهد بود.

خودسانسوری از دیرباز وجود داشته است. علاوه بر این، زمانی که اسم خودسانسوری به گوش ما می‌خورد، جنبه بصری و نوشتاری آن در ذهن ما خطور می‌کند و آن را بیشتر مختص نشریات می‌دانیم، در حالی که خودسانسوری می‌تواند در تمام ابعاد جامعه وجود داشته باشد. اکنون ما خودسانسوری را در قالب تک‌تک افراد جامعه و با گستردگی بیشتری در نظر گرفته‌ایم و سعی کردیم خودسانسوری را در جامعه آماری گسترده‌تری بررسی کنیم. با تمام این تفاسیر، جامعه به دنبال راهکارهایی برای توسعه است که در این تحقیق، دو مورد از عوامل مخل توسعه خودسانسوری، یعنی اعتماد و مشارکت اجتماعی عنوان شده است و از آنجاکه خودسانسوری می‌تواند برای جامعه بار منفی در پی داشته باشد، این تحقیق به دنبال آن است که مواردی را شناسایی کند که به خودسانسوری، سکوت یا سرکوب منجر می‌شوند.

^۱. Amartya Sen

امروزه ضرورت و اهمیت عدم خودسانسوری در تمام سطوح، برای دستیابی به توسعه و پیشرفت در جامعه، بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ زیرا عدم خودسانسوری و بیان آزادانه عقاید و نظرها از بدبینی، بی‌اعتمادی، انزوا و بی‌تفاوتی در جامعه جلوگیری می‌کند، همبستگی را تقویت می‌کند و موجب رضایتمندی در بین اعضای جامعه می‌شود. ترویج آزادی بیان و محیاساختن زمینه‌های آن می‌تواند نقش مفیدی در جامعه ایفا کند؛ بنابراین، می‌توان چنین ادعا کرد که افزایش آزادی بیان و در پی آن، کاهش خودسانسوری، باعث ازمیان رفتن بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. آزادی، به دلیل کمک به کشف حقیقت‌های انسانی، از سویی به توسعه و تحول جامعه کمک می‌کند و از سوی دیگر باعث خودشکوفایی فردی می‌شود که اعتمادبه‌نفس فرد را تقویت کرده و جلوی ترس از اظهارنظر را می‌گیرد. بنابراین، می‌توان چنین گفت که آزادی بیان در دنیای مدرن یکی از پیش‌شرط‌های توسعه است. همان‌طور که در بالا ذکر شد، خودسانسوری تحت‌تأثیر عوامل بسیاری است که کشف و شناخت این عوامل می‌تواند در کاهش خودسانسوری مؤثر باشد. همچنین، ضرورت مطالعه و تحقیق درخصوص مسئله خودسانسوری از آنجا ناشی می‌شود که عامل یادشده، توسعه‌یافتگی جامعه را به خطر می‌اندازد. یزد به‌عنوان یکی از شهرهای کویری ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، مردمی قانع دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان یزدی‌ها را با سه ویژگی بارز قنات و قنوت و قناعت شناخت. این قناعت‌پیشگی و مقاومت در برابر سختی‌ها، یزدی‌ها را به خصلت محافظه‌کاری معروف کرده است و از آنجاکه جمعیت شهری یزد نسبتاً همگون است، نسبت به سایر مناطق تنوعات قومی زیادی در آن وجود ندارد و از گذشته تا به امروز هنوز هم خصلت‌های فرهنگی خود را حفظ کرده است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴). با توجه به آنچه ذکر شد، مقاله حاضر به بررسی و تحلیل رابطه مشارکت و اعتماد اجتماعی با خودسانسوری پرداخته است و درصدد پاسخ به این سؤال است که خودسانسوری به چه میزان در بین شهروندان شهر یزد رواج دارد؟ همچنین آیا بین مشارکت و اعتماد اجتماعی با خودسانسوری رابطه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تحقیقی که به آزمون تجربی رابطه مشارکت یا امنیت اجتماعی با خودسانسوری پرداخته باشد، یافت نشد. با این حال، سعی شده است مروری بر مشابه‌ترین تحقیقاتی که به این مسئله پرداخته‌اند انجام شود.

نتایج تحقیق مروتی (۱۳۹۰) گویای آن بود که افزایش و افت درمورد آزادی بیان، به سه دوران گسستگی برای روند توسعه سیاسی در ایران منجر شده است. براساس یافته‌های این

تحقیق، توسعه آزادی بیان در دوره‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۲ و ۱۹۹۸-۲۰۰۶ می‌تواند به‌عنوان دوره‌های رشد اقتصادی سیاسی در نظر گرفته شود و همچنین دوره‌های سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۸ می‌تواند به‌عنوان دوره کاهش توسعه سیاسی و کاهش آزادی بیان در شرایط مختلف به شمار آید.

حسن‌مرادی، شیخ‌الاسلامی و عباسی‌خواه (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که متغیرهای بی‌اعتمادی و بدبینی به مدیر و هم‌نوایی با جمع، بر سکوت سازمانی تأثیر معنادار داشته است. نتایج حاصله از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته در پژوهش جانعلی‌زاده و کسائی‌ان (۱۳۹۶) نشان داده است که علت این پنهان‌سازی می‌تواند در مقوله‌های زیر خلاصه شود: داغ ننگ، توهم اجتماعی در ارائه تسهیلات به خانواده‌های شهدا، تفاوت نگرش خانواده‌ایثارگران و مردم درباره عادلانه‌بودن تسهیلات و

نعمتی‌انارکی (۱۳۹۶) در تحقیق خود به دنبال واکاوی فرایند اعتماد به رسانه است و اینکه چه مؤلفه‌هایی اعتبار رسانه را در نزد مخاطب افزایش می‌دهد و باعث اعتماد وی به رسانه می‌شود. نتایج این تحقیق رعایت مؤلفه‌هایی همچون تغییر در نوع دروازه‌بانی و دوری از تحریف و سانسور را ضروری دانست. عقیلی (۱۳۹۷) دریافت که اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی همچون تعاملی‌بودن، همه‌جایی‌بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، می‌تواند فضای مساعدی را برای احیای ابعاد ازدست‌رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی فراهم آورد و به این ترتیب، بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

نتایج تحقیق افشانی و محمودآبادی (۱۳۹۸) حاکی از این بود که بین احساس امنیت اجتماعی و خودسانسوری رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد و مادامی‌که افراد احساس امنیت نداشته باشند، نظریات خود را بیان نکرده و خودسانسوری می‌کنند. هایز^۱ (۲۰۰۷) از شرکت‌کنندگان در مطالعه خواسته بود تا بگویند وقتی با نظر کسی مخالف هستند چه می‌کنند؟ او پاسخ‌ها انواع استراتژی‌های مختلف مردم برای خودسانسوری را نشان می‌دهد؛ مانند ابراز بی‌تفاوتی، تلاش برای تغییر موضوع یا بازتاب‌دادن سؤال بدون پاسخ‌دادن به آن. همچنین، یک دست‌کاری آزمایشی در هویت افکار نشان داد که افراد در برابر دیدگاه‌های خصمانه، بیشتر از استراتژی‌های سکوت استفاده می‌کنند تا در یک محیط دوستانه؛ علاوه‌براین، برخی موضوعات بیشتر موجب اجتناب افراد از بیان عقایدشان می‌شود.

^۱. Hayes

مت‌هز،^۱ ریوس موریسون^۲ و کریستن^۳ (۲۰۱۰) با بررسی داده‌های حاصل از سه نظرسنجی نشان دادند که بیان عقیده افراد، زمانی که نگرش آنان به دیگران در سطح اطمینان کم یا متوسط است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و برای افرادی که اطمینان بالایی دارند، چنین اثری پیدا نمی‌شود. بنابراین، فقط برای بعضی از افراد، نه همه اعضای عمومی، سکوت وجود دارد.

نتایج پژوهش میلیکن،^۴ موریسون و هولین^۵ (۲۰۱۲) نشان داد که سکوت در مورد مسائل و مشکلات، کاری بسیار رایج است؛ ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که در موقعیت‌هایی قرار دارند که در آن احساس می‌کنند مسئله را بیان نکرده‌اند، هرچند که احساس می‌کردند آن مسئله مهم است. محققان هشت نوع مسائل «سکوت» را شناسایی کرده‌اند: ۱. نگرانی‌ها در مورد صلاحیت همکار یا سرپرست؛ ۲. مشکلات با فرایندهای سازمانی، عملکرد یا پیشنهادها برای بهبود؛ ۳. نگرانی در مورد پرداخت یا حقوق برابر؛ ۴. موافق نبودن با سیاست‌های شرکت یا تصمیمات؛ ۵. مسائل مربوط به شغل شخصی؛ ۶. مسائل اخلاقی یا عدالت؛ ۷. آزار و اذیت و یا سوءاستفاده؛ ۸. درگیری با همکار. دلیل اکثریت برای سکوت، باقیمانده ترس یا علامتگذاری منفی بود و خسارت در روابط ارزشمند. دیگر دلایل سکوت عبارت‌اند از: احساس ناامیدی، ترس از انتقام‌جویی، مجازات، نگرانی در مورد تأثیر منفی بر دیگران، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های سازمانی و ارتباط ضعیف با ناظر.

در پژوهش دالیسای،^۶ همیل اوسکی،^۷ کوشین^۸ و یاماماتو^۹ (۲۰۱۲)، سه شاخص انسانی سرمایه اجتماعی بررسی شده است: مشارکت مدنی، اعتماد و همسایگی. نتایج نظرسنجی نشان داد که مشارکت مدنی تأثیر مستقیمی بر تمایل به ابراز نظرات دارد. همسایگی و اعتماد تأثیر مثبت مستقیم بر حمایت درک‌شده از نظریات خود داشتند که به نوبه خود با تمایل به بیان عقیده رابطه مثبت داشت.

مت‌هز،^{۱۰} و ون سیکورکی^۱ (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «ادراک حمایت و حمایت از نظریات سیاسی»، انجام دادند. فرض کلیدی تئوری مارپیچ سکوت این است که شرایط بر بیان

1. Matthes

2. Rios Morrison

3. Christian

4. Millikan

5. Hewlin

6. Dalisay

7. Hmielowski

8. Kushin

9. Yamamoto

10. Knoll

عقاید سیاسی تأثیر می‌گذارد. محققان توانایی این رابطه را متاتحلیل کرده و تأثیر آن را تأیید کردند. شصت‌وشش مطالعه در بین جمعاً ۲۷ هزار نفر انجام شد که ارتباط مثبت معناداری بین شرایط و بیان دیدگاه مشاهده گردید. بزرگ‌ترین تأثیر خاموش شدن ($r=0/34$) هنگامی بود که شرکت‌کنندگان با خانواده، دوستان یا همسایگان خود در مورد مزاحمت‌ها صحبت می‌کردند. با اینکه واژه خودسانسوری، تاریخی به قدمت حیات اجتماعی بشر دارد، پژوهش‌هایی با این مضمون بسیار کم است. تحقیقات معدودی هم که در این زمینه انجام شده است، به صورت غیرمستقیم به مسئله خودسانسوری اشاره کرده‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها مستقیماً به این مسئله نپرداخته‌اند؛ به عبارتی، به عنوان متغیر وابسته و اصلی تحقیق عنوان نشده‌اند. همچنین، اکثر پژوهش‌ها در حوزه سانسور مطبوعات و رسانه‌ها کار شده است و یا در لفافه آن را عنوان کرده‌اند. تحقیقات خارجی نیز، به جز معدودی، آزادی عقیده و اظهارنظر را مرکز توجه خود قرار داده‌اند. با نگاهی کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که به‌طور کلی در تحقیقات داخلی و خارجی به صورت عمیق و دقیق به این مسئله پرداخته نشده است. از این‌رو، این پژوهش، در این حوزه جدید به شمار می‌رود و امید می‌رود چراغی فرا راه پژوهش‌های بعدی باشد.

چارچوب نظری

نظریه رفتارگرایی جورج هومنز^۱ به مفاهیم پاداش و تنبیه توجه دارد. در نظر اندیشمندان، آنچه موجب بروز یک رفتار می‌شود و پایداری آن را سبب می‌گردد، پاداش حاصل از انجام آن است. فرض اصلی این دیدگاه آن است که انسان‌ها، رفتارهایی از خود بروز می‌دهند که نتایج پاداش‌دهنده‌ای برای آن‌ها داشته باشد. در جریان خودسانسوری، مشارکت در امور متعدد به عنوان یک رفتار، زمانی رشد پیدا می‌کند که انسان‌ها در مقام مشارکت‌کننده، پاداشی برای آن در نظر بگیرند یا حتی‌الامکان در برابر آن رفتار مجازات نشوند. هومنز چند قضیه بنیادی برای تبیین رفتار انسان مطرح می‌کند که می‌توان آن‌ها را برای تبیین رفتار مشارکتی به کار گرفت. در اینجا به اختصار به تعدادی از این قضایا اشاره می‌کنیم:

الف. قضیه موفقیت: هومنز معتقد است هر عملی که شخص انجام می‌دهد، غالباً اگر در مقابل آن پاداش بگیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد. براساس این قضیه، اگر مشارکت به عنوان یک رفتار از سوی فرد ابراز شود و پاداش دریافت کند (مثلاً تشویق و ایده‌گیری از نظر فرد)، احتمال آنکه تمایل فرد به رفتار مشارکتی افزایش یابد زیادتر

1. VonSikorki

2. George Homans

می‌شود که در پی این مشارکت‌ها خودسانسوری کاهش می‌یابد. ب. قضیه ارزش: همچنین هرچه نتیجه یک کنش برای فرد بالارزش‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد (ریتزر، ۱۳۸۹: ۴۲۸-۴۲۹).

به نظر آیزن و فیش باین، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه عامل بروز یک رفتار، «قصد و نیت» برای انجام آن رفتار است (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۹). گرایش افراد به سمت مشارکت، تابع انتظار فایده و ارزیابی فایده است. انتظار فایده به معنای آن است که شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد و ارزیابی فایده، یعنی شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظر او فایده داشته یا خیر؟ ارزیابی می‌کند مشارکت کند یا نکند؟ بنابر عواملی از جمله انتظار و ارزیابی فایده که ذکر شد، مهم‌ترین و مناسب‌ترین تئوری مربوط به گرایش به عمل در نزد افراد، نظریه فیش باین و آیزن است که طی آن افراد قصد دارند با مشارکت در هر عملی به یک‌سری فواید دست پیدا کنند و مادامی‌که نتوانند به این فواید دسترسی پیدا کنند، سکوت اختیار می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۱۱). طبق اصول نظریه فیش باین و آیزن، در ارتباط با نتایجی که افراد برای رفتار خود در نظر می‌گیرند، ممکن است مشارکت کنند یا خیر. طبق این نظریه، می‌توان چنین عنوان کرد که بین تمایل افراد به مشارکت اجتماعی، براساس قصد و نیتی که انتظار آن را دارند و خودسانسوری، ارتباط وجود دارد.

آنتونی گیدنز^۱ با ارائه نظریه «ساختاربندی» نشان داد که رفتار افراد ناشی از عملکردهایی اجتماعی است که در راستای زمان و مکان سامان می‌گیرند، نه از طریق کنش فردی و هر نوع جامعیت اجتماعی. در واقع، اهمیت زمان و مکان در نظر گیدنز به اندازه‌ای است که خودسانسوری انسان را ناشی از عملکردهایی می‌داند که در زمان و مکانی خاص صورت می‌گیرند و این خودسانسوری صورت‌گرفته را دارای خصلت برگشتی ناشی از مشارکت می‌داند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۶۰۱). با توجه به نظریه ساختاربندی گیدنز می‌توان چنین نتیجه گرفت که خودسانسوری فرد از جریان‌هایی خاص نشئت می‌گیرد که بعد زمانی و مکانی در این فرایند از اهمیت بسیاری برخوردار است و منجر می‌شود فرد در یک زمان خاص، اقداماتی خاص انجام دهد.

گیدنز اعتماد را در رابطه با مدرنیته و ویژگی‌های بنیادین آن مطرح می‌کند. به نظر او، در جهان مدرن، زندگی شخصی و پیوندهای اجتماعی، در فراگیرترین نظام‌های انتزاعی عمیقاً تنیده شده‌اند و اعتماد در سطح شخصی، به طریقی تبدیل می‌شود که طرفین باید روی آن کار کنند. در اینجا اعتماد را نمی‌توان با اصول ثابت هنجاربخش، در اختیار داشت، بلکه باید آن را جلب کرد و وسیله آن، نشان دادن محبت، سعه صدر و واکنش مثبت افراد است. از نظر گیدنز،

^۱. Anthony Giddens

این همان فرایند متقابل خودگشایی است. از نگاه گیدنز، نقطه مقابل اعتماد، در عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که خلاصه‌اش همان نگرانی و هراس وجودی افراد است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۵). چنانچه در جوامع مدرن که روابط، پیچیدگی خاص خود را دارند، نتوان به اشخاص در پیوندهای اجتماعی اعتماد کرد، می‌توان نوعی خودسانسوری را فرض کرد که در نتیجه هراس و بی‌اعتمادی به افراد است؛ این خودسانسوری می‌تواند واکنش ترس افراد در مقابل اعتماد کردن به دیگران باشد.

بلاو،^۱ برخلاف هومنز، نخست به مسئله قدرت^۲ در مبادله اجتماعی توجه می‌کند. هنگامی که شخصی قدرتی بر دیگری اعمال می‌کند، هر مقدار که خود او متمتع می‌شود، دیگری باید هزینه آن را بپردازد. این مسئله ضرورتاً به این معنا نیست که روابط اجتماعی به‌منزله بازی‌ای است که نتیجه آن صفر است، بلکه بدین معناست که افراد ذی‌نفع، گرچه از تعاون خود سود می‌برند، اما نفع برابر به دست نمی‌آورند. بعضی بیشتر منتفع می‌شوند و برخی هم هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌گردند. بلاو به نابرابری طرفین در این مبادله و عدم تعادل قدرت در آن تأکید می‌ورزد (توسلی، ۱۳۹۱: ۴۲۶-۴۲۸). بر مبنای نظر بلاو، تسلیم‌شدن در برابر اشکالی از قدرت، فرد را از بروز خطرهایی مصون می‌دارد که این عمل می‌تواند کنش ارادی محسوب شود. از نظر بلاو، از آنجاکه هیچ اطمینانی از بازده یک عمل در مبادله وجود ندارد، این عمل نیازمند اعتماد به دیگران است. رابطه مبادله، در فرایندی که تعامل می‌یابد، ابتدا از مبادلات خرد که نیازمند اعتماد کم است آغاز می‌شود؛ اگر نتیجه بخش بود، برای مبادله بیشتر از خود انگیزه نشان می‌دهند و اعتمادپذیری بروز می‌کند (Blau, 1964: 352). با توجه به نظریه مبادله بلاو و توجه او به بحث قدرت در مبادله اجتماعی می‌توان این‌گونه بیان کرد که مادامی که افراد در پی مبادله نظرها و پیشنهادهای خود در گذشته، متضمن واکنش‌های تندی از جمله پرخاش، مجازات، تنبیه و... شده باشند، اعتماد نکرده و اعتقادات مشابه خود را در شرایط دیگر ابراز نمی‌کنند. همچنین، در گروه‌هایی که افراد احساس کنند در مرتبه پایین‌تر یا حداقلی هستند و سایر گروه‌ها این قدرت را دارند که بر آن‌ها مسلط شوند، از بازگویی نظرهای خود سر باز زده و سکوت می‌کنند، یا چیزی را بیان می‌کنند که در جهت اهداف گروهی باشد و با اعتقادات حقیقی آن‌ها همخوانی ندارد (افشانی و محمودآبادی، ۱۳۹۸: ۸۶).

بنا به نظر پاتنام،^۳ اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه میزان اعتماد در جامعه‌ای بیشتر باشد، احتمال همکاری و مشارکت بین افراد و ابراز نظر شخصی بیشتر است. اعتماد به

۱. Blau

۲. Power

۳. Robert D. Putnam

دیگران مستلزم توانایی پیش‌بینی رفتار دیگران است. در جوامع کوچک، پیش‌بینی برای بیان نظرها و همکاری براساس اعتماد صمیمانه انجام می‌شود که به روابط نزدیک، از جمله اقوام و آشنایان، مربوط می‌شود. اما در جوامع بزرگ و پیچیده، اعتماد غیرشخصی‌تر و غیرمستقیم ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱-۲۹۲). اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده، از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله‌متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی، ناشی می‌شود. پاتنام با ارجاع به کلمن^۱ تأکید می‌کند که به علت تأثیر تبعات مثبت یا منفی یک کنش برای دیگران، هنجارهای اجتماعی، حق کنترل یک عمل را از یک بازیگر به دیگران انتقال می‌دهند. این هنجارها از طریق سرمشق‌شدن و اجتماعی‌شدن، از جمله آموزش مدنی و نیز از طریق مجازات‌ها، در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شوند. هنجارهای موجد اعتماد، به این دلیل توسعه می‌یابند که هزینه معاملات را پایین می‌آورند و همکاری را تسهیل می‌کنند. بدین صورت که افراد رفتار دیگرانی را که به صورت غیرمستقیم با آنان ارتباط دارند، براساس حدسیات خود پیش‌بینی می‌کنند و در صورتی که وجه و نظری مثبت به آنان وجود داشته باشد، با آنان ارتباط برقرار کرده و نظریات خود را ابراز می‌کنند یا با آنان به تبادل نظر می‌پردازند؛ اما در صورتی که پیش‌بینی و تصور مطلوبی در ذهن افراد نقش نبندد، افراد اعتماد نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند سکوت کنند، یا به عبارتی خودسانسوری را در پیش گیرند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳-۲۹۴).

بحث پارسونز^۲ در رابطه با اعتماد را می‌توانیم به خودسانسوری بسط دهیم؛ چراکه از طریق جامعه‌پذیری، فرد به جامعه متصل می‌شود، احساس عضویت در ما می‌کند، حسن‌ظن یا سوءظن فرد به اعضای جامعه شکل می‌گیرد و در فرایند جامعه‌پذیری، در مراحل و موقعیت‌های خود درمی‌یابد به چه کسانی اعتماد کند، چگونه این اعتماد شکل می‌گیرد و در برابر چه کسانی خود واقعی‌اش را نشان ندهد. پارسونز معتقد است خانواده اولین مایی است که انسان با تعلق به آن بر احساس ترس و بی‌اعتمادی خود غلبه می‌کند یا می‌آموزد که به چه کسانی اعتماد نکند و در برابر آنان خودسانسوری کند (بهزاد، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۵).

برای زیمل^۳، رابطه اجتماعی مسلط در جوامع مدرن، مبادله است. مبادله شکل خالص و اصلی‌ترین شکل همه کنش‌های متقابل انسان‌هایی است که در آن منافع دنبال می‌شود. طبق نظر زیمل، هر کنش متقابلی باید همچون مبادله قلمداد شود. در جریان مبادله، ما به خاطر چیزهایی از خودگذشتگی و ارزش‌گذاری می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین شرایط مبادله، اعتماد است؛

۱. Colman

۲. Parsons

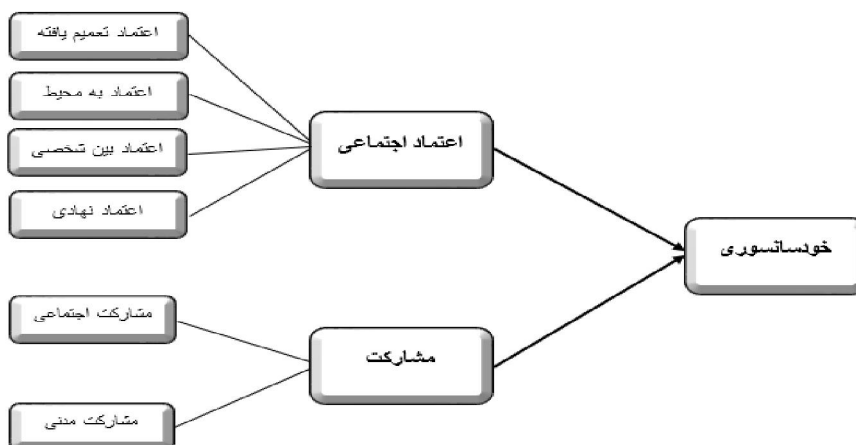
۳. Simmel

بدون اعتماد عمومی افراد به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌شود. بنابراین، اعتماد در جریان زندگی یکی از اجزای مهم درون جامعه است. باین‌حال، زیمل معتقد است که اعتماد اثبات‌ناپذیر است و ابراز عقیده و بیان نظریات، به کمک بسیاری از نیروهای مختلف تقویت می‌شود که اعتماد یکی از آن نیروهاست؛ بنابراین، در جامعه‌ای تفکیک‌نیافته، نوع روابط شخصی و دامنه مبادلات به گروه‌های خاص و تعیین‌شده‌ای محدود است که ما به آنان اعتماد داریم و در مواجهه با سایر گروه‌های غیر، محتاطانه عمل می‌شود (Simmel, 1950: 326).

طبق نظریات مطرح‌شده و با تأکید بر نظریه مبادله، تعامل افراد فرایندی دوجانبه بوده که نیازمند محاسبه است. افراد در شرایط کنش با دیگران و قبل از آن، معیارهایی از جمله موقعیت‌های مشابه در گذشته را در نظر می‌گیرند، میزان اعتماد خود را به دیگران محاسبه می‌کنند و سپس تصمیم می‌گیرند آیا عمل مدنظر خود را انجام دهند یا خیر. بنابراین، با توجه به نظریات مطرح‌شده، متغیرهای مشارکت و اعتماد اجتماعی می‌توانند در تبیین خودسانسوری کمک شایانی کنند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن با خودسانسوری رابطه وجود دارد.
۲. بین مشارکت و ابعاد آن با خودسانسوری رابطه وجود دارد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری و نمونه پژوهش

این پژوهش از نظر روش، کمی است و با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی و مشارکت بر خودسانسوری شهروندان شهر یزد بود، از روش پیمایشی استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه بهره گرفته شده است و جامعه آماری پژوهش، تمامی شهروندان ۱۵ ساله و بالاتر شهر یزد در سال ۱۳۹۷ هستند که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، حدود ۳۹۳۳۲۳ نفر بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه شهروندان این شهر، با استفاده از فرمول کوکران و حداکثر واریانس، ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. برای این کار ابتدا پنج منطقه شهر یزد به‌عنوان پنج خوشه اصلی و در مرحله بعد، در هر منطقه تعدادی خیابان اصلی به شکل بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شده است و از هر خیابان نیز چندین کوچه به‌طور تصادفی انتخاب شده است. درنهایت، برای هریک از کوچه‌ها تعدادی پرسش‌نامه انتخاب شد تا در آن مناطق تکمیل شوند.

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq}$$

$$n = \frac{393323(1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)}{393323(0/05)^2 + (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)} \cong 384$$

پرسش‌نامه پژوهش، اعتبار محتوایی دارد که با تأکید بر نظر و ارزیابی استادان مجرب درباره گویه‌ها به دست آمده است. علاوه‌براین، پایایی ابزار نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ حاصل شده است. با استفاده از یک آزمون مقدماتی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده است که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۱. ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	تعداد ابعاد	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
اعتماد اجتماعی	۱۵	۴	۰/۷۵۶
مشارکت	۱۷	۲	۰/۸۶۹
خودسانسوری	۲۵	-	۰/۸۶۱

ضریب آلفا برای همه متغیرها بیش از ۰/۷ شده است که نشانگر مطلوب بودن پایایی ابزار است.

در ادامه تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود:

خودسانسوری: هرگونه اخلال نظام‌مند که فرد در تبادل پیام برای خود ایجاد می‌کند خودسانسوری نام دارد که ما را وا می‌دارد به گونه‌ای خاص بیندیشیم، بنویسیم و سخن بگوییم (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۵). در این تحقیق، مفهوم خودسانسوری با ۲۵ گویه، به شیوه محقق‌ساخته، در قالب پرسش‌نامه طراحی شده است. سعی شده است گویه‌ها به نحوی طراحی شوند که بتوانند به بهترین نحو خودسانسوری را اندازه‌گیری کنند. در این تحقیق، خودسانسوری در زمینه بیان نظریات مخالف دیگران و بیان نظر در اقلیت، بیشتر مدنظر است و از قالب گویه‌های مثبت و منفی (مانند «می‌توانم در جمع نظری مخالف دیگران ارائه کنم»، «در هر شرایطی حرفم را می‌زنم»، «اگر احساس کنم نظرم در اقلیت است آن را بیان نمی‌کنم»، «من تمایل دارم نظر خود را فقط برای کسانی که به آنان اعتماد دارم بیان کنم» ...) استفاده شده است. گویه‌های این متغیر در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم) ارزش‌گذاری شد که از ۱ تا ۵ امتیاز به آن اختصاص داده شد. مجموع امتیازات پاسخ‌گو، میزان خودسانسوری فرد را مشخص می‌کند. حداقل امتیاز پاسخ‌گو ۲۵ و حداکثر ۱۲۵ خواهد بود که پس از تقسیم بر تعداد گویه‌ها، در دامنه ۱ تا ۵ قرار دارد.

اعتماد اجتماعی^۱: اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی؛ این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل می‌کنند و شیوه‌ای حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما، اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد (شارع‌پور، ۱۳۸۳). اعتماد اجتماعی، خود در چهار بعد مجزا سنجیده شده است: ۱. اعتماد بین‌شخصی: به معنی اعتماد و اطمینان به افراد آشنا و افرادی که فرد عمدتاً با آنان در ارتباط است (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۴). ۲. اعتماد تعمیم‌یافته: در این نوع از اعتماد اجتماعی انتزاعی براساس تعریف گیدنز، میزان اعتماد و اطمینان فرد به افرادی که وی الزاماً با آنان ارتباط رودررو نداشته و همچنین آشنایی کامل با آنان ندارد، سنجیده می‌شود. ۳. اعتماد نهادی: براساس تعریف گیدنز، به اعتماد و اطمینان به نهادها و سازمان‌های دولتی و همچنین سازمان‌های غیردولتی مربوط است. ۴. اعتماد به محیط: قابلیت اعتماد به محیط، بیانگر میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی است (افشانی، فاضل نجف‌آبادی، حیدری و نوریان نجف‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

^۱. Social Trust

به منظور سنجش اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان، این متغیر در چهار بعد (نهادی، بین‌شخصی، محیطی و تعمیم‌یافته) سنجیده شده که جمعاً شامل ۱۵ گویه برای هر چهار بعد است. این متغیر در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم) ارزش‌گذاری شد و فقط «اعتماد تعمیم‌یافته» از طیف متفاوت (اصلاً، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) برخوردار بود که در قسمت یافته‌ها، برای سهولت کار، این بعد از متغیر همسان‌سازی شد. اعتماد نهادی: مسئولان بیشتر به پولدارها رسیدگی می‌کنند، مسئولان آمادگی پذیرش پیشنهادهای جدید را دارند، اکثر مسئولان برای مردم قابل اعتمادند، مسئولان در قبال مردم احساس وظیفه و دلسوزی می‌کنند.

اعتماد بین‌شخصی: وسایلم را بدون هیچ نگرانی به دوستانم قرض می‌دهم، خیلی دوست دارم با فامیل رفت‌وآمد خانوادگی داشته باشیم، با قرض‌دادن وسایل منزلمان به همسایه‌ها موافقم، اگر برایم مشکلی پیش بیاید، فامیل از من حمایت می‌کند. اعتماد به محیط: امروزه معلوم نیست دین‌دار واقعی کیست و ریاکار کدام است، امروزه اگر کسی کیف پولی پیدا کند دنبال صاحبش نمی‌گردد، ضمانت‌کردن دیگران برای وام‌گرفتن اشتباه است.

اعتماد تعمیم‌یافته: افرادی مانند معلمان، پزشکان، رانندگان تاکسی و همسایگان تا چه میزان قابل اعتمادند.

مشارکت: ^۱ مشارکت به معنای همکاری، شرکت در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی به منظور بحث و تصمیم‌گیری، چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است (خیرالله‌پور، ۱۳۸۳: ۹۱). مشارکت دو بعد مشارکت اجتماعی ^۲ و مشارکت مدنی ^۳ دارد. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تیریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی را یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی می‌داند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. این هنجارها، شبکه‌های ارتباطی را که به کسب حسن شهرت، وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است، تقویت می‌کند. شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و

^۱. Collaboration

^۲. Political Participation

^۳. civil Participation

جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸). همچنین مشارکت مدنی فعالیت‌هایی است که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف، خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله‌مراتب است (لعل سجادی، ۱۳۸۷: ۱۱۹). به‌منظور سنجش میزان مشارکت پاسخ‌گویان، این متغیر در دو بعد مشارکت اجتماعی و مشارکت مدنی سنجیده شد که جمعاً شامل ۱۷ گویه برای دو بعد بود.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخ‌گویان مورد مطالعه، ۵۳/۹ درصد را مردان و ۴۶/۱ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. از این میان، ۶۰/۳ درصد پاسخ‌گویان متأهل، ۳۷/۳ درصد مجرد و مابقی ۲/۳ درصد بدون همسر (مطلقه و فوت‌شده) بودند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۲/۸۵ سال و حداقل سن ۱۶ و حداکثر سن ۷۲ بوده است. از نظر تحصیلات، ۴۳/۵ درصد از پاسخ‌گویان مدرک تحصیلی لیسانس داشتند و مابقی پاسخ‌گویان دارای مدارج تحصیلی دیگر بودند.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	حداقل ^۱	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کم	متوسط	زیاد
خودسانسوری	۱/۰۸	۴/۲۰	۲/۹۸	۰/۵۰۹	۹/۴	۸۲/۶	۸/۰
مشارکت اجتماعی	۱	۴/۷۰	۳/۱۰۶	۰/۶۵۵	۱۲/۲	۶۶/۷	۲۱/۱
مشارکت مدنی	۱	۴/۸۶	۲/۵۸۱	۰/۷۹۴	۳۷/۲	۵۳/۱	۹/۶
مشارکت	۱/۱۲	۴/۶۸	۲/۸۴۳	۰/۶۴۱	۲۴/۹	۶۵/۳	۹/۸
اعتماد تعمیم‌یافته	۱	۵	۲/۲۸۳	۰/۷۲۳	۵۴/۴	۴۰/۹	۴/۷
اعتماد نهادی	۱	۴/۷۵	۲/۰۷۹	۰/۸۴۸	۱۴/۱	۵۲/۳	۴/۷
اعتماد به محیط	۱	۵	۲/۴۵۳	۰/۷۶۵	۳۵/۴	۶۱/۲	۳/۴
اعتماد بین‌شخصی	۱	۵	۳/۲۷۹	۰/۸۴۳	۶۳/۸	۳۲/۰	۴/۲
اعتماد اجتماعی	۱/۰۳	۴/۲۲	۲/۵۲۴	۰/۵۴۸	۳۹/۱	۵۸/۷	۲/۲

طبق جدول ۲، میانگین متغیر خودسانسوری ۲/۹۸ است و خودسانسوری در میان شهروندان شهر یزد در حد متوسط خود قرار دارد. همچنین، با توجه به داده‌های رتبه‌بندی شده

^۱. دامنه نمرات متغیرهای تحقیق براساس طیف لیکرت، بین یک تا پنج بوده است.

(در سطوح کم، متوسط و زیاد)، خودسانسوری اکثریت پاسخ‌گویان (۸۲/۶ درصد) در رتبه متوسط قرار گرفت. یافته‌های توصیفی تحقیق گویای این امر است که افراد تمایل دارند در گروه‌هایی که تازه عضو آن شدند یا گروه‌هایی که می‌دانند نظریاتشان مخالف آنان است، صحبت نکنند، وارد بحث نشوند و سکوت کنند؛ چون به این باور رسیده‌اند که سکوت یعنی امنیت. خودسانسوری در گروه‌های اقلیت و مخالف، بیشتر مشاهده می‌شود. همچنین، میانگین شاخص کلی مشارکت ۲/۸۴ است. بنابراین، به‌طور کلی میانگین مشارکت در میان شهروندان شهر یزد نزدیک به متوسط (۳) است. به‌علاوه، با توجه به داده‌های رتبه‌بندی‌شده (در سطوح کم، متوسط و زیاد)، مشارکت اکثریت پاسخ‌گویان (۶۵/۳ درصد) در رتبه متوسط قرار گرفت. بالاخره اینکه میانگین شاخص کلی اعتماد اجتماعی ۲/۵۲ است. بنابراین، به‌طور کلی میانگین اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر یزد، از حد متوسط پایین‌تر (۲/۵۲) است و از میان ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی، بیشترین میزان اعتماد در بین پاسخ‌گویان مربوط به اعتماد بین‌شخصی (۳/۲۷۹) و کمترین آن مربوط به اعتماد نهادی (۲/۰۷۹) بوده است. همچنین با توجه به داده‌های رتبه‌بندی‌شده (در سطوح کم، متوسط و زیاد)، اعتماد اجتماعی اکثریت پاسخ‌گویان (۵۸/۷ درصد) در رتبه متوسط قرار گرفت.

جدول ۳. همبستگی متغیرهای مستقل با خودسانسوری

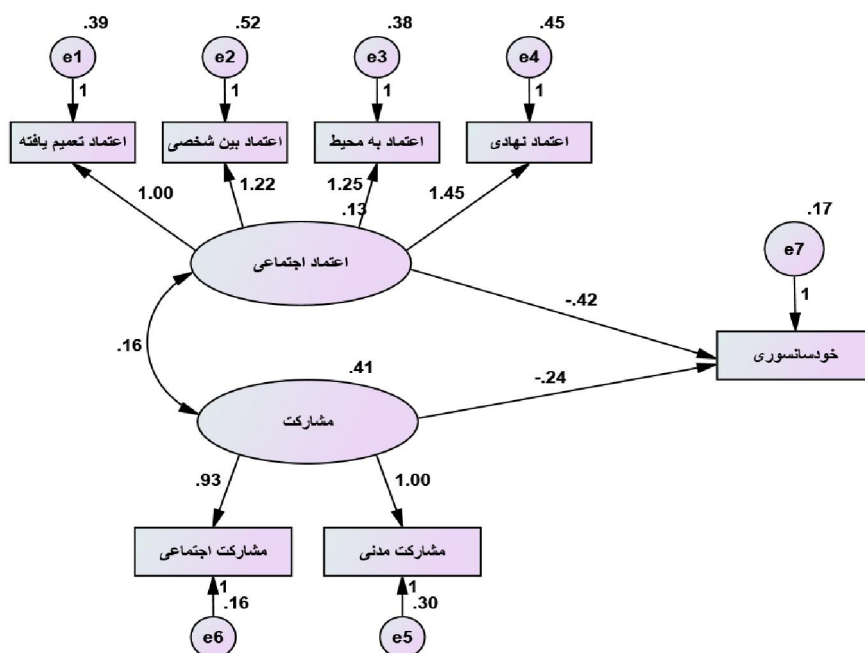
مشارکت	مشارکت مدنی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد نهادی	اعتماد بین‌شخصی	اعتماد به محیط		
*** ۰/۲۳۵ -	*** ۰/۳۹۱ -	*** ۰/۴۳۰ -	*** ۰/۴۱۷ -	*** ۰/۲۷۳ -	*** ۰/۲۸۷ -	*** ۰/۳۰۳ -	*** ۰/۲۸۵ -	ضریب همبستگی	خودسانسوری
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

براساس اطلاعات جدول ۳ چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین اعتماد اجتماعی و تمام ابعاد آن، شامل اعتماد به محیط، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته و همچنین مشارکت و ابعاد آن، یعنی مشارکت اجتماعی و مشارکت مدنی با خودسانسوری، رابطه معکوس

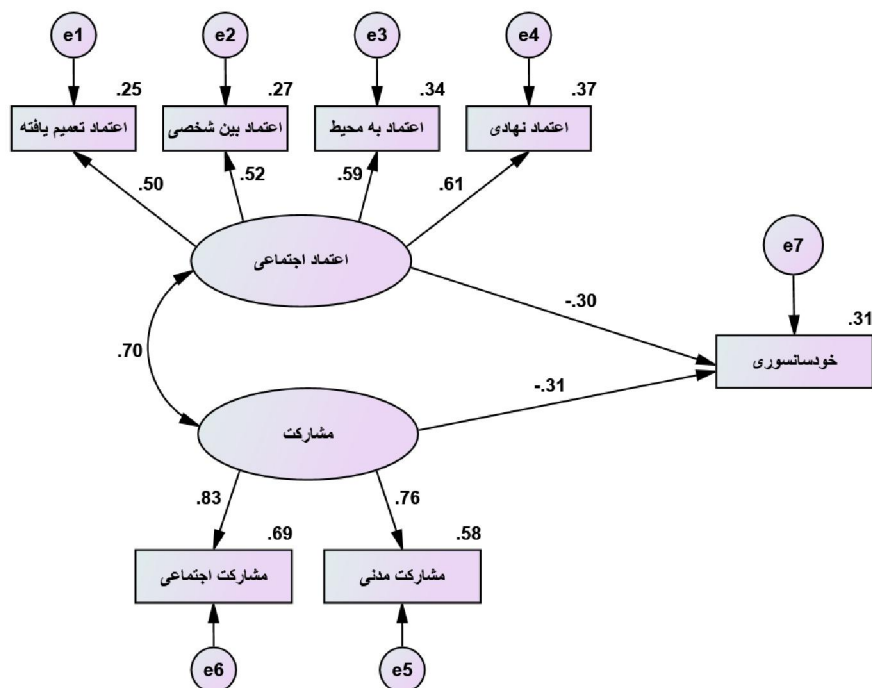
و معناداری وجود دارد؛ یعنی با کاهش اعتماد اجتماعی و مشارکت و ابعاد این دو متغیر، خودسانسوری افزایش می‌یابد.

مدل‌یابی معادله ساختاری

به‌منظور بررسی تأثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت بر متغیر خودسانسوری، از رویکرد مدل‌یابی معادله ساختاری کوواریانس‌محور، استفاده شد. متغیرهای مستقل (اعتماد اجتماعی و مشارکت) و وابسته (خودسانسوری) به‌صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل معادله ساختاری شدند. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامتر اصلی این مدل (اثر متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت بر متغیر خودسانسوری)، در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت بر متغیر خودسانسوری در حالت غیراستاندارد



شکل ۳. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت بر متغیر خودسانسوری در حالت استاندارد

جدول ۴. برآورد مقادیر مربوط به مدل‌های عاملی مدل معادله ساختاری

متغیر	خرده‌مقیاس	بار عاملی	مقدار بحرانی ^۱	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۴۹۶	--	--
	اعتماد بین‌شخصی	۰/۵۱۸	۶/۶۰۵	۰/۰۰۱
	اعتماد به محیط	۰/۵۸۵	۷/۰۳۹	۰/۰۰۱
	اعتماد نهادی	۰/۶۱۲	۷/۱۸۰	۰/۰۰۱
مشارکت	مشارکت مدنی	۰/۷۶۳	--	--
	مشارکت اجتماعی	۰/۸۳۰	۱۱/۶۲۹	۰/۰۰۱

برحسب مقادیر برآوردشده در جدول ۴، بارهای عاملی مربوط به همه خرده‌مقیاس‌های متغیر «اعتماد اجتماعی» و همچنین متغیر «مشارکت» در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به

^۱. Critical Ratio

عبارت دیگر، همبستگی متغیرهای «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت» با خرده‌مقیاس‌های مربوط به این متغیرها در حد متوسط به بالا برآورد می‌شود؛ در نتیجه، ابزار سنجش این متغیرها از اعتبار عاملی برخوردار است.

جدول ۵. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق		برآزش تطبیقی				برآزش مقتصد	
	GFI	CMIN	DF	PCFI	CFI	TLI	RMSEA	CMIN/DF
مقدار	۰/۹۷۶	۳۲/۸۶۲	۱۲	۰/۵۵۲	۰/۹۶۵	۰/۹۳۹	۰/۰۶۷	۲/۷۳۹

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها، در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده، توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر، برآزش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۶. برآورد مقادیر اثر متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت بر متغیر خودسانسوری

P. Value	مقدار بحرانی	خطای معیار	برآورد		ضریب تعیین	متغیر وابسته	مسیر	متغیر مستقل
			استاندارد	غیراستاندارد				
۰/۰۰۱	-۲/۹۱۲	۰/۱۴۳	-۰/۲۹۷	-۰/۴۱۵	۰/۳۱	خودسانسوری	--->	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	-۳/۳۶۲	۰/۰۷۲	-۰/۳۰۹	-۰/۲۴۲				مشارکت

مقادیر برآورد شده در جدول ۶ بیانگر این موارد است: الف. متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت ۳۱ درصد از واریانس متغیر خودسانسوری را تبیین می‌کنند. با در نظر گرفتن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین، این مقدار نسبتاً بزرگ برآورد می‌شود. به عبارت دیگر، متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت در حد نسبتاً بالایی توان تبیین واریانس متغیر خودسانسوری را دارند. ب. اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر متغیر خودسانسوری به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/01$)؛ بنابراین، فرض پژوهش مبنی بر اینکه متغیر اعتماد اجتماعی بر متغیر خودسانسوری تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر ($-0/30$) می‌توان گفت این اثر معکوس و متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش اعتماد اجتماعی می‌تواند به کاهش خودسانسوری منجر شود. ج. اثر متغیر مشارکت بر متغیر خودسانسوری به

لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/001$)؛ بنابراین، فرض پژوهش مبنی بر اینکه متغیر مشارکت بر متغیر خودسانسوری تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر ($-0/31$) می‌توان گفت این اثر معکوس و متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش مشارکت می‌تواند به کاهش خودسانسوری منجر شود.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی با خودسانسوری در بعد اعتماد تعمیم‌یافته ($-0/273$)، در بعد اعتماد به محیط ($-0/285$)، در بعد اعتماد بین‌شخصی ($-0/303$) و در بعد اعتماد نهادی ($-0/287$) رابطه منفی معنادار دارد. در میان این چهار بعد، بیشترین ضریب همبستگی و رابطه مربوط به بعد اعتماد بین‌شخصی و خودسانسوری است و با کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر، اقوام و آشنایان یا حتی نهادها و دولت، خودسانسوری در بین شهروندان افزایش خواهد یافت. نتیجه تحقیق ما با تحقیق حسن مرادی (۱۳۹۳) که بیان کرد افراد یک سازمان، در صورت وجود بی‌اعتمادی سکوت می‌کنند، همسو بود. مت‌هز (۲۰۱۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که افرادی که نسبت به دیگران در سطح اطمینان کم یا متوسط قرار دارند، در ابراز عقیده خود کاملاً صادق نیستند و سکوت می‌کنند؛ بنابراین نتیجه تحقیق مت‌هز با تحقیق ما در یک راستا قرار دارد. دالیسای و همکارانش (۲۰۱۲) نیز به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سکوت پرداختند؛ یکی از متغیرهای آن (اعتماد) به‌طور مشخصی بر تمایل به ابراز عقیده تأثیرگذار بوده است. نهایتاً با وجود این شواهد می‌توان نتیجه گرفت که نتایج تحقیق دالیسای با نتایج تحقیق ما همسو و هم‌جهت بوده است. در پایان می‌توان این نکته را متذکر شد که هرکدام از تحقیقات حاضر به‌طور غیرمستقیم با نتایج تحقیق ما همسو بودند. البته هیچ‌کدام از تحقیقات گذشته به‌طور مستقیم به خودسانسوری نپرداخته‌اند، بلکه در لفافه و با عباراتی مشابه مانند مارپیچ سکوت، پنهان‌کاری و محافظه‌کاری آن را بیان کرده‌اند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، اعتماد را نمی‌توان نوعی فرایند قراردادی تبیین کرد، بلکه اعتماد نوعی حالت ذهنی در میان افراد است که براساس تجربیات پیشین خود فرد یا دیگران ایجاد می‌شود. صرف وجود اینکه دیگران یا نهادها بگویند سطح عمومی اعتماد در جامعه زیاد است، دلیل وجود اعتماد افراد به سازمان‌ها و یکدیگر نیست. افراد خود باید از لحاظ روانی و ذهنی احساس اعتماد کنند و براساس این اعتماد، توانایی ابراز نظریات خود را حس کنند؛ در غیر این صورت ساکت می‌مانند. همچنین، اعتماد اجتماعی یکی از مشخصه‌های سرمایه

اجتماعی محسوب می‌شود و زمانی به توسعه اجتماعی ختم می‌شود که خودسانسوری یا عنوان دیگری مانند خویش‌ن‌داری، پنهان‌کاری و مصلحت‌اندیشی رواج پیدا نکند. به‌علاوه، در بسیاری از خانواده‌ها فرزندان تحت امر پدر و مادر هستند، چنین افرادی با ورود به جامعه برای بازگردن واقعیت دچار خودسانسوری می‌شوند و سعی می‌کنند روحیه محافظه‌کاری خود را حفظ کنند. شرایط حاکم بر جامعه نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. در شرایطی که مردم بتوانند به‌راحتی با مسئولان در سطوح مختلف ارتباط برقرار کنند و ترس از دست‌دادن جایگاه خود یا مجازات را نداشته باشند، اعتمادی از بین نمی‌رود و جامعه کمتر به سمت خودسانسوری پیش می‌رود. پس می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که برای توسعه جامعه نیاز است که فرهنگ بیان نظریات و اعتراضات به شیوه‌ای مفید و سازنده در جامعه اجرا و نهادینه شود.

همسو با نظر بلاو، می‌توانیم این‌گونه نتیجه بگیریم که افراد در جریان مبادله دست به محاسبه می‌زنند و در جریان این محاسبه هرچه اعتمادشان به افراد دیگر کاهش یابد، خودسانسوری در برابر آنان افزایش خواهد یافت. در این میان، قدرت نیز متغیر کلیدی محسوب می‌شود؛ زیرا در جریان مبادله گروهی قدرت بیشتری دارند و آنان که قدرتی ندارند از ابزار سکوت خود استفاده می‌کنند تا در این میان متضرر نشوند. همچنین، نتایج تحقیق همسو با نظریه زیمل است که معتقد است یکی از شرایط مهم مبادله که در اینجا می‌توان از آن با عنوان ابراز نظر یاد کرد، اعتماد است؛ افراد در برابر گروه‌های خاصی که به آنان اعتماد دارند عقاید خود را آزادانه بیان می‌کنند و در مواجهه با سایر گروه‌ها همواره محتاطانه عمل کرده و خودسانسوری می‌کنند. در آخر باید عنوان کرد که نتایج تحقیق با نظریه پارسونز همسوست. طبق نظر پارسونز، افراد اگر در برابر دیگران واکنش مثبت دریافت کنند و ترس و هراسی نداشته باشند، اعتماد کرده و نظریاتشان را به‌راحتی بیان می‌کنند و در صورتی که در روابط پیچیده جامعه مدرن به دیگران بی‌اعتماد شوند، خودسانسوری واکنشی طبیعی در برابر ترس آنان خواهد بود. آن زمان که افراد در جریان ارتباط با گروه‌های مختلف، از جمله دوستان، رئیس یا حتی اعضای خانواده، واکنش مثبتی دریافت نکنند، در آنان ترس شکل می‌گیرد و در مواجهه با آنان سکوت کرده یا نظرشان را موافق با آن‌ها نشان می‌دهند که جلوه دیگری از خودسانسوری است.

متغیر دیگری که در این مقاله به آن پرداخته شده است، مشارکت است. نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که مشارکت در دو بعد مشارکت مدنی با ضریب (۰/۲۱۴-) و مشارکت اجتماعی با ضریب (۰/۲۰۰-) رابطه منفی و معناداری با خودسانسوری دارد؛ یعنی با افزایش مشارکت در بین افراد، خودسانسوری کاهش پیدا می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بعد

مشارکت مدنی از ضریب همبستگی بیشتری با خودسانسوری برخوردار است. نتایج این تحقیق با تحقیق دالیسای و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد. در تحقیق دالیسای سه شاخص سرمایه اجتماعی بررسی شده و به این نتیجه رسیدند که مشارکت مدنی تأثیر مستقیم و مثبتی بر تمایل افراد به بیان عقیده دارد. در این تحقیق ما نیز به نتیجه‌ای مشابه همین نتیجه دست پیدا کردیم.

علاوه بر متغیر اعتماد اجتماعی که پیش‌تر درباره آن صحبت کردیم، مشارکت اجتماعی نیز در روند توسعه اجتماعی یک کشور متغیری کلیدی و مهم محسوب می‌شود، به نحوی که شهروندان، جدای از هر قومیت و علاقه و نگرشی می‌توانند در فرایند توسعه متمر ثمر باشند و با مشارکت خود در حوزه‌های متعدد، روند توسعه را افزایش کنند. دولت، به‌عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار، باید به شیوه‌های متفاوت شهروندان را به مشارکت و ابراز نظرهایشان تشویق کند و هر عاملی را که باعث سرکوب و سکوت شهروندان می‌شود شناسایی کرده و از بروز آن جلوگیری کند. از میان عواملی که باعث این عدم مشارکت می‌شوند می‌توان به ترس و بی‌توجهی به نظر افراد اشاره کرد. ترس و بی‌اعتنایی در وجود افراد باعث می‌شود کنش‌های اجتماعی و مشارکتشان کاهش یافته و ذهنیت افراد به سمتی رود که ابراز نظر صریح آنان به حذف یا انگشت‌نماد شدن منجر می‌شود که این عاملی منفی در روند توسعه محسوب می‌شود.

طبق نظر فیش باین و آیزن، فشار اجتماعی بر رفتار و روحیه مشارکتی تأثیرگذار است. افراد از مشارکت در امور به دنبال کسب فایده‌اند و مادامی که به آن فایده دست پیدا نکنند و یا حتی در پی مشارکت مجازات شوند، سکوت اختیار می‌کنند. می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که تا وقتی که افراد در پی مشارکت خود به اهدافشان برسند، این چرخه مشارکت ادامه خواهد داشت و می‌توان به مشارکت افراد در حوزه‌های مختلف امیدوار بود، اما مادامی که افراد در پی مشارکت به خواسته‌های خود دست پیدا نکنند، از مشارکت بازمانده و خودسانسوری را پیشه راه خود می‌سازند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نظریه فیش باین و آیزن را همسو با تحقیق حاضر تلقی کرد. همچنین، طبق نظریه هومنز، بالاخص قضیه موفقیت، زمانی که افراد نتوانند به چیزی که مدنظرشان است برسند، سکوت می‌کنند. این عدم مشارکت به‌مرور به خودسانسوری منجر می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نتایج تحقیق هم‌راستا با نظریه مبادله است. و بر نیز معتقد است که مشارکت افراد، بسته به انتظارات آنان، متغیر است؛ مادامی که انتظارات موردنظر افراد تحقق یابد، مشارکت ادامه خواهد داشت، اما زمانی که افراد در پی کنش و مشارکتشان به اهداف مدنظر نرسند یا مجازات شوند،

خودسانسوری می‌کنند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که نتایج تحقیق حاضر همسو با نظریه وبر است.

همسو با نتایج تحقیق سعی شده که پیشنهادها و راهکارهایی در جهت کاهش خودسانسوری ارائه شود که در ادامه به مواردی از آنان اشاره خواهیم کرد:

- جای متغیرهای دیگری در این پژوهش خالی است که به نظر می‌رسد می‌توانند مقدار دیگری از متغیر وابسته (خودسانسوری) ما را تبیین کنند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به سایر متغیرها، از جمله بدبینی اجتماعی و حمایت اجتماعی، پرداخته شود.

- با وجود قدمت زیاد پدیده خودسانسوری، تاکنون این مفهوم عملیاتی نشده است، لذا پیشنهاد می‌شود برای بررسی دقیق‌تر این مفهوم و مقوله‌سازی آن در آینده، این پژوهش به روش کیفی صورت گیرد.

- هرچه اعتماد اجتماعی در بین مردم بیشتر باشد، خودسانسوری کاهش خواهد یافت. در این زمینه جهت بسترسازی برای افزایش اعتماد و به تبع آن کاهش خودسانسوری می‌توان با تقویت پایه‌های اعتماد بنیادین در بین افراد جامعه، اعتماد عام را هم در بین مردم و هم در بین نهادهای دولتی افزایش داده و از این طریق خودسانسوری را کاهش داد.

- ایجاد فضای لازم در جامعه برای تعامل هرچه بیشتر افراد و تسهیل در جهت برقراری گفت‌وگوها و فضای نقد و ایجاد زمینه نقدپذیری در جامعه.

- افزایش فضای تعامل و همکاری داوطلبانه و انجمنی در جامعه.

- فرصت‌دادن به افراد برای بیان نظریات جدیدشان، این اجازه را می‌دهد که در فضای تعامل و در جریان برخورد با یکدیگر رشد کنند و مشوق افراد جامعه به مشارکت برای دستیابی به آرمان‌های ترقی‌خواهانه خواهد بود.

- شرایط حاکم بر جامعه و نحوه ارتباط دولت و مردم می‌تواند یکی از دلایل مهم خودسانسوری باشد. در شرایطی که مردم بتوانند به راحتی با مسئولان در سطوح مختلف ارتباط برقرار کرده و مشکلات را بیان کنند، جامعه کمتر به سمت خودسانسوری سوق داده می‌شود.

منابع

افشانی، سیدعلیرضا، سمیه فاضل نجف‌آبادی، محمد حیدری و محمد نوریان نجف‌آبادی (۱۳۸۹) «پژوهشی در باب رابطه دین‌داری و اعتماد اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۹: ۱۸۵-۲۱۷.

افشانی، سیدعلیرضا و فاطمه محمودآبادی (۱۳۹۸) «رابطه احساس امنیت اجتماعی و خودسانسوری در بین شهروندان یزدی»، *فصلنامه امنیت اجتماعی*، شماره ۵۹: ۵۷-۱۰۱.

- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *تحقیقات علوم اجتماعی/ایران*، شماره ۱: ۲۴-۳۹.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۲) «بررسی ارتباط بین اجزاء، سطوح و ابعاد ساختار اعتماد اجتماعی در بین خانوارهای ساکن شهرستان سنندج در سال ۱۳۸۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
- تقی‌زاده سیکاوردی، الهام (۱۳۹۵) «بررسی رابطه خودسانسوری روزنامه‌نگاران با رضایتمندی خوانندگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۱) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ۱۸، تهران: سمت.
- جانعلی‌زاده چوب‌بستی، حیدر و معصومه کسائیان (۱۳۹۶) «چرایی اجتماعی پدیده پنهان‌سازی هویت ایثارگری در میان دانشجویان شاهد مراکز آموزشی عالی شهر بابلسر»، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره سوم، شماره ۹: ۹-۴۱.
- حسن‌مرادی، نرگس، نادر شیخ‌الاسلامی و حرمت سادات عباسی‌خواه (۱۳۹۳) «شناسایی عوامل درون‌فردی تأثیرگذار بر سکوت سازمانی در ستاد دانشگاه علوم پزشکی ایران»، *مجله مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره ششم، شماره ۲۱: ۵۳-۶۵.
- خالوئی، مرضیه (۱۳۸۸) «گذری بر سانسور در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی»، *ماهنامه ارتباط علمی*، دوره سیزدهم، شماره ۱: ۱-۶.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۴) «خودسانسوری»، *دانشگاه انقلاب*، شماره ۲: ۵۱-۵۶.
- خیرالله‌پور، اکبر (۱۳۸۳) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ذاکری‌هامانه، راضیه (۱۳۹۰) «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر یزد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۹) *آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹) *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۱۶، تهران: انتشارات علمی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳) «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای ناشی از فرسایش آن»، در *مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عباسی شوازی، محمدجلال، عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴) «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران (مطالعه موردی در استان یزد)»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵: ۳۵-۷۵.